

بازدارندگی به مثابه استراتژی امنیتی - دفاعی جمهوری اسلامی ایران؛

چالش‌ها، الزامات و مدل راهبردی آن

معصومه انصاری فرد^۱، امیرمحمد حاجی یوسفی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۴

چکیده: با فروپاشی نظام دوقطبی و تغییر در دو بُعد عرصه نظام و اولویت‌بندی موضوعات در نظام نوین جهانی، خاورمیانه به یکی از بسترهای اعمال استراتژی بازدارندگی نوین تبدیل گردید. جمهوری اسلامی ایران نیز که در منطقه منازعه‌آلود خاورمیانه قرار گرفته است برای تامین امنیت خود بر بازدارندگی تاکید دارد. مقاله حاضر با تحلیل کیفی ضمن توجه همزمان به رویکردهای قدرت‌محور، هویت‌محور و منفعت-محور در قالب سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در صدد پاسخ به این سوال بوده است که "استراتژی کنونی ایران با چه مولفه‌هایی از بازدارندگی نوین همخوانی دارد؟" فرضیه مورد بررسی برای پاسخ به این پرسش عبارت است از: "استراتژی امنیتی-دفاعی ایران صرفاً از مولفه نظامی بازدارندگی، نه تمامی مولفه‌های بازدارندگی نوین الهام گرفته است. بدین معنا که هم‌افزایی تمامی ابعاد از جمله ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی بازدارندگی پساجنگ سردی، در معادله بازدارندگی ایران وجود نداشته و بازدارندگی برای ایران عکس‌العملی نظامی در برابر اقدامات بازدارنده مخاصمان برون‌منطقه‌ای و متحدان منطقه‌ای آنها بوده است." در همین راستا، تلاش برای رسیدن به درک جامعی از بازدارندگی و سیر تحول آن با رویکرد آسیب‌شناسی برای تبیین مدل مناسب بازدارندگی ایران، هدف این پژوهش را تشکیل می‌دهد. بر اساس یافته‌های تحقیق، می‌توان گفت به علت افزایش تاثیر دو محیط منطقه‌ای و بین‌المللی نسبت به محیط ملی، عملکرد ایران بیشتر مبتنی بر الزامات جنگ نامتقارن است تا بازدارندگی. همچنین موفقیت بازدارندگی ایران به استفاده از بازدارندگی با انکار در مقابل بازدارندگی با مجازات بستگی دارد.

واژگان اصلی: بازدارندگی، بازدارندگی منطقه‌ای، موازنه‌سازی، ایالات متحده آمریکا، جمهوری اسلامی ایران

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲. دانشیار علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

با فروپاشی نظام دوقطبی، خاورمیانه به یکی از بسترهای اصلی مداخلات خارجی به ویژه کانون اصلی اعمال استراتژی بازدارندگی ایالات متحده آمریکا تبدیل گردید. بازدارندگی که در سیستم دو قطبی و با پیدایش سلاح‌های هسته‌ای در راستای حفظ وضع موجود و کنترل روابط دو ابرقدرت مطرح شده بود با فروپاشی ساختار دوقطبی و تغییرات عرصه نظام بین‌الملل از جمله ظهور جهان منطقه‌ای شده و خیزش کنشگران غیردولتی و جدید، از یک سو توسط کشورهای کوچک و از سوی دیگر نیز به عنوان استراتژی هژمون در مناطق آشوب در انواع مختلفی اعمال گردید. علاوه بر این، با تغییر در اولویت‌های موضوعی در نظام نوین جهانی؛ درهم‌تنیدگی جهانی و ظهور تهدیدات جدید، معادله بازدارندگی از شکل نظامی صرف خارج شده و در اشکال مختلف نظامی، سیاسی و اقتصادی به خصوص در قالب بازدارندگی یکجانبه منطقه‌ای در منطقه منازعه‌آلود خاورمیانه ظاهر گشت. در این میان، جمهوری اسلامی ایران که در این منطقه منازعه‌آلوده قرار گرفته، در صدد ایجاد استراتژی امنیتی-دفاعی جامعی در برابر تمامی دشمنان خود از جمله مخاصمان درون منطقه‌ای و مداخله‌گران برون منطقه‌ای برآمده است. بر این اساس، برنامه‌ها و شعارهای مختلفی مبنی بر توانمندسازی دفاعی در قالب بازدارندگی مطرح گردید؛ به گونه‌ای که ادبیات استراتژیک، مواضع رهبری، روسای جمهور، وزیران دفاع، دبیران شورای عالی امنیت ملی، مقامات نظامی و... بر بازدارندگی تاکید دارد.^۱ همچنین، از زمان پایان جنگ عراق و ایران، نیز جمهوری اسلامی ایران چند برنامه توسعه را طراحی کرده که در این برنامه‌ها به بازدارندگی اشاره شده است از جمله سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه و برنامه پنج ساله پنجم بر بازدارندگی تاکید دارند. لکن نگاهی آسیب‌شناسانه از عملکرد جمهوری اسلامی ایران در این بازه زمانی چهل ساله از یکسو و توجه به تحولات بازدارندگی در نظم نوین جهانی از سوی دیگر، این موضوع را به ذهن متبادر می‌سازد که هرچه از آغاز انقلاب اسلامی به زمان حال نزدیک می‌شویم به رغم تغییر و تحول در بازدارندگی با توجه به نظم بین‌المللی پساجنگ سرد، استراتژی دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران با این تغییر و تحول منطبق نبوده است. این روند، به ویژه از آغاز هزاره جدید میلادی نمود بیشتری یافته و به نظر می‌رسد از این روست که

۱. رجوع شود به منابع مقاله: دیدگاه مقامات ایران در مورد بازدارندگی

بسیاری از صاحب‌نظران در عرصه بین‌المللی رزمایش‌ها و رویارویی‌های نظامی جمهوری اسلامی ایران، خواه مستقیم خواه غیرمستقیم را در قالب‌هایی به دور از بازدارندگی نوین تفسیر می‌کنند. نقش جمهوری اسلامی ایران در جنگ‌های نامتقارن میان رژیم صهیونیستی و جبهه مقاومت، مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی در عراق و سوریه، و مقابله با عناصر و گروهک‌های ناامن‌کننده کشور از جمله شواهد تاییدکننده این مدعا هستند. این در حالی است که با توجه به ویژگی داخلی-ملی (مولفه‌های جغرافیایی و تاریخی)، الزامات منطقه‌ای و بین‌المللی، برنامه‌ریزی و توجه دقیق به استراتژی بازدارندگی به معنای نوین آن ضروری می‌نماید. بر این اساس، پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این سوال بوده که "استراتژی امنیتی-دفاعی کنونی ایران با چه مولفه‌هایی از بازدارندگی نوین همخوانی دارد؟"

در ادامه پژوهش، نگاهی کلی به سیر تحول بازدارندگی جنگ سردی به بازدارندگی نوین، بازدارندگی منطقه‌ای در خاورمیانه در شرایط عدم وجود اتحاد و موازنه قدرت قابل اتکا، آسیب عملکردی جمهوری اسلامی را بیشتر نشان می‌دهد. بر این اساس، فرضیه مورد بررسی برای پاسخ به این پرسش عبارت است از: "استراتژی امنیتی-دفاعی ایران صرفاً از مولفه نظامی بازدارندگی، نه تمامی مولفه‌های بازدارندگی نوین الهام گرفته است. بدین معنا که هم‌افزایی تمامی ابعاد از جمله ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی بازدارندگی پساجنگ سردی در معادله بازدارندگی ایران وجود نداشته و بازدارندگی برای ایران عکس‌العملی نظامی در برابر اقدامات بازدارنده مخاصمان برون‌منطقه‌ای و متحدان منطقه‌ای آنها بوده است". بنابراین، تلاش برای رسیدن به درک جامعی از بازدارندگی و سیر تحول آن برای تبیین مدل مناسب بازدارندگی ایران با رویکردی آسیب‌شناسانه، هدف این پژوهش را تشکیل می‌دهد.

۱. پیشینه و روش پژوهش

در ارتباط با پژوهش حاضر منابعی وجود دارد که در بررسی آنها با مثلث ایران، ایالات متحده آمریکا و متحدان منطقه‌ای آمریکا روبرو می‌شویم. هر دسته از این منابع ضمن اشاره به این بازیگران، یک طرف این مثلث را در مطالعه خود برجسته کرده و بر تهدیدات بازدارندگی و یا توانمندی‌های آن تمرکز می‌کند.

گروهی از منابع با تمرکز بر بازدارندگی ایران بر این محورهای موضوعی پرداخته‌اند:

تهدیدات و فرصت‌های نظامی بازدارنده ایران در رابطه با فعالیت ایران در سوریه، عراق، لبنان، یمن (Ahmadian, 2019; Watling, 2019; Rauschenbach, 2020; Mcinnis, 2016)، بررسی جایگاه حزب‌الله لبنان در تقویت عمق استراتژیک و بالا بردن قدرت بازدارندگی غیرمستقیم منطقه‌ای ایران و شکست بازدارندگی اسرائیل (گلشنی و باقری، ۱۳۹۱؛ باقری و یزدانی، ۱۳۹۷)، فعالیت‌های بازدارنده ایران در مقابل با پایگاه‌های نظامی آمریکا، اسرائیل و عربستان در کشورهای همسایه ایران (Katzman, 2020; Maher, 2019)؛ نوری فرد، ۱۳۸۶؛ باقری، ۱۳۹۲؛ افتخاری و باقری، ۱۳۸۹)، تهدیدات و فرصت‌های محیطی ایران، ترسیم مدل بازدارندگی ایران با توجه به توانمندی‌های نظامی-موشکی و ایجاد شبکه‌ای از متحدان ایران (عباسی و دیگران، ۱۳۹۵؛ قاسمی، ۱۳۸۶ و ۱۳۹۱؛ غلامی، ۱۳۸۳)، حضور مستقیم و گسترده نظامی آمریکا در مناطق پیرامونی ایران، تشدید تحریم‌ها به منظور بازدارندگی و منزوی کردن ایران در منطقه (سلطانی نژاد و دیگران، ۱۳۹۲)، تهدیدات بازدارنده آمریکا، عربستان و اسرائیل برای ایران در منطقه و ناچار بودن ایران به تقویت توان نظامی خود (آدمی و کشاورز مقدم، ۱۳۹۳).

دسته دیگر از منابع تمرکز خود را بر چالش‌های بازدارندگی آمریکا و متحدان آن با محورهای زیر قرار داده‌اند:

تهدیدات موشکی ایران برای متحدان آمریکا در خلیج فارس (Evron, 2008; Evron, 2012; Karp, 2001)، معضل امنیتی عربستان سعودی و ایران در بازدارندگی (Bolan, 2019)، بازیابی مجدد بُعد هسته‌ای بازدارندگی آمریکا در برابر روسیه، توجه به جنبه‌های غیرنظامی بازدارندگی و توجه به تفاوت ارزش اهداف کشورها در بازدارندگی (Rühle, 2015)، تقویت توان بازدارندگی آمریکا با کمک شرکای آمریکایی شامل تحریم‌های اقتصادی علیه ایران و فعالیت‌های نظامی متعارف در منطقه (Davis et.al, 2020)، ایجاد ماریج‌های بی‌ثباتی و احتمال افزایش جنگ به دلیل سوءبرداشت هنگام استفاده ایران و آمریکا از قدرت بازدارنده خود در دفاع از متحدان منطقه‌ای و یا درگیری‌های نیابتی (Hicks, 2017).

آثار مذکور با بررسی اسناد مختلف و یا مصاحبه با کارشناسان نظامی و سیاسی، اطلاعات مفیدی در مورد بحران‌های خاورمیانه و بازدارندگی ارائه می‌دهند، اما آنطور که تمرکز موضوعی آنها نشان می‌دهد تقریباً تمامی این آثار بازدارندگی را در روابط دو یا چند کنشگر هم‌اورد به خصوص از نظر توانمندی نظامی مانند توانمندی هسته‌ای، وجود سلاح‌ها و مهمات نظامی بررسی

می‌کنند. حال آنکه بازدارندگی بیش و پیش از نگاه رابطه‌ای میان دو یا چند کشور می‌باید بر حسب داشته‌ها و نداشته‌های یک کنشگر و همچنین بستر و شرایطی که بازدارندگی در آن اعمال می‌شود مورد ارزیابی قرار گیرد. آنچه این آثار نگفته‌اند، سیر تکوین ظرفیت‌هایی است که شالوده بازدارندگی را می‌افکند؛ از جمله الزامات، منابع اعمال این استراتژی و محدودیت‌های اجرایی آن با توجه به وضعیت منطقه. علاوه بر این، منابع موجود به طور مشخص به امتناع بازدارندگی نوین در استراتژی جمهوری اسلامی ایران؛ علل و پیامدهای آن نپرداخته‌اند. چنین نقایصی روشی را طلب می‌کند تا بتوان تمامی ابعاد موضوع را تبیین کرد. بر این اساس، مقاله حاضر ضمن به کارگیری روش کیفی، همزمان به رویکردهای قدرت‌محور، هویت‌محور و منفعت‌محور در قالب سه سطح (ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی)، سه بُعد (فرهنگی - هویتی، سیاسی - امنیتی و اقتصادی) و سه وجه (ادراکی، تاریخی و تجربی)، توجه داشته و بنابراین واقع‌گرایی روی باسکار نیز در نگارش قسمت‌های مختلف پژوهش مد نظر بوده است تا از این طریق بتوان موارد آشکار و ساختارهای پنهانی را که باعث چالش در بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران می‌شوند متناسب با آزمون فرضیه تبیین کرد. بنابراین، با استفاده از داده‌های اسنادی در ابتدا بازدارندگی نوین و پس از آن بازدارندگی منطقه‌ای خاورمیانه بین ایران و آمریکا بررسی می‌شود. سرانجام در بخش آخر به چالش‌های بازدارندگی جمهوری اسلامی پرداخته می‌شود. در این بخش چالش‌های بازدارندگی در ابعاد و سطوح مختلف از جمله تعارضات هویتی و عدم وجود اتحادهای متسحکم در منطقه، وضعیت نامناسب اقتصادی داخلی و رقابت بین روسیه، چین و آمریکا در منطقه که به نوعی خود سبب توجه بیشتر ایران به بعد نظامی بازدارندگی هم شده‌اند، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. چارچوب مفهومی: بازدارندگی و سیر تحول آن

در این بخش سعی شده است تا متناسب با هدف و آزمون فرضیه مقاله، مهم‌ترین پویس‌های مفهومی متأثر از تحولات بازدارندگی در نظم نوین جهانی تبیین گردد. بازدارندگی با الگوی واقع‌گرایانه نظریه روابط بین‌الملل و تأکید آن بر مفهوم منافع و قدرت ارتباط نزدیکی دارد. بازدارندگی یک استراتژی است که براساس آن، یک قدرت از تهدید انتقام‌جویی به طور مؤثر استفاده می‌کند تا از حمله و تهدید دشمن جلوگیری کند. محافظت از خود به توانایی‌های نظامی، سیاسی، دیپلماتیک و اقتصادی و تمایل به استفاده از این توانایی‌ها نیاز

دارد تا قدرت دشمن را از انجام یک اقدام خاص با تهدید به آسیب رساندن به آنچه که بیشترین ارزش را دارد، منع کند (Jordet, 2006: 23).

بازدارندگی در قالب یک استراتژی جلوگیری از جنگ و کنترل بحران، ارمغان دوره جنگ سرد بود که ویژگی‌های این دوره به کارگیری بازدارندگی را طلب می‌نمود. توزیع قدرت بین آمریکا و شوروی به گونه‌ای بود که اجازه حضور فعال بازیگران دیگر را نمی‌داد. «به طور کلی، در این دوران... سیاست‌گذاری‌ها در همه ابعاد آن در چارچوب مرزبندی کلی دو بلوک شرق و غرب- به دیگر سخن دنیای آزاد سرمایه‌داری و دنیای کمونیستی- انجام می‌شدند و کشورها بسته به این که عضو کدام اردوگاه یا بلوک بودند، از سیاست‌های مشخصی پیروی می‌کردند (شبان‌نیا، ۱۳۸۲:۳). در طول جنگ سرد شرایط محلی (زمان، مکان، فرهنگ، سیاست و تصمیم‌گیری‌های رهبری) به نفع وضعیت کلی بازدارندگی از جمله تمرکز بر پیش‌بینی و کاهش مرگ و میر و جنگ تمار عیار، نادیده گرفته می‌شد و آنچه بازدارندگی می‌نامیدند به نوعی بازدارندگی وجودی بود (Payne, 2003). از این رو برای جنگ سرد ما می‌توانیم بازدارندگی را نه صرفاً به عنوان یک مفهوم اجتناب از جنگ، بلکه شاید به عنوان یک مفهوم نظم جهانی شبیه به کنسرت اروپا، عملیات اولیه برای مهار خشونت‌های دولت‌ها و همچنین قابلیتی برای نگهداری نظم، مشاهده کنیم (Morgan, 2003:261). اما با تغییر توزیع قدرت در نظام بین‌الملل و ویژگی‌های خاص نظام نوین جهانی، استراتژی‌های کنترل و مدیریت نظم از جمله بازدارندگی نیز تغییر یافت. برای درک بهتر موضوع، این تغییرات در جدول زیر آمده است.

جدول (۱). تحولات بازدارندگی در نظم نوین جهانی

ورود بازیگران مختلف دولتی و غیر دولتی به بازدارندگی (تغییر در عرصه نظام)	جنگ سرد استراتژی بازدارندگی را به روابط ابرقدرت‌ها محدود کرده بود در حالی که پس از جنگ سرد، کشورهای کوچک، گروه‌های جدایی طلب قومی و مذهبی و تروریست‌ها نیز فرصت استفاده از استراتژی بازدارندگی را پیدا کرده‌اند (قاسمی، ۱۳۹۱).
پیدایش انواع بازدارندگی	پیدایش انواع بازدارندگی از جمله: بازدارندگی کلی، موسع، محدود، متمرکز، آنی، مستقیم، غیرمستقیم، بازدارندگی نامتقارن، یکجانبه منطقه‌ای و ... مسئله اصلی در اینجا تطبیق بین سلاح و هدف است. باید دانست چه نوع بازدارندگی؟ و با چه هدفی؟ قرار است اجرا شود.
ابزارهای بازدارندگی	استفاده از ابعاد مختلف قدرت، استفاده از قدرت ساختاری و نه فقط قدرت نظامی. بنابراین، در بازدارندگی نوین از ابزارهای مختلف سیاسی،

نظامی، اقتصادی و... بهره گرفته می شود.	
ابزارهای بازدارندگی	استفاده از قدرت ساختاری و تحریم اقتصادی توسط قدرت‌های بزرگ برای بازدارندگی حکومت دیگر کشورها: تمرکز بر اصل هم‌وزن سازی مسائل امنیتی و اقتصادی، به طوری که با فشار بر مردم، مردم گزینه اقتصادی را بر امنیت ترجیح دهند. فشار اقتصادی برای رسیدن به خواسته‌های نظامی. بنابراین، در بعضی موارد گزینه نیروی نظامی، در برخی دیگر ممکن است رویکردهای غیرنظامی از جمله رفع مشکلات داخلی مردم اقدام بازدارنده مؤثر در برابر کشور متخاصم باشد.
تغییر سطح بازدارندگی	در دوران جنگ سرد به دلیل درگیری دو ابرقدرت که حوزه نفوذ خود را در کل سیستم گسترش داده بودند، بازدارندگی امری جهانی تلقی می‌شد، ولی امروزه کشورها در مناطق خود در پی ایجاد نظام‌های بازدارنده هستند (منطقه‌گرایی و جهان‌گرایی به موازات یکدیگر).

از مهم‌ترین این تغییرات، تغییر سطح بازدارندگی از سطح جهانی به سطح بازدارندگی منطقه‌ای و پیدایش بازدارندگی یکجانبه منطقه‌ای در شرایط عدم تقارن قدرت است. «در بازدارندگی یکجانبه منطقه‌ای، کشور بازدارنده به طور مستقیم در معرض تهدید قرار نمی‌گیرد. هدف آن کشور بازداشتن رقیب از حمله به متحدان منطقه‌ای برای رسیدن به نظم مطلوب خود است (قاسمی، ۱۳۸۸: ۱۰)». «در این شرایط، الگوی بازدارندگی منطقه‌ای از کنش متقابل بین واحدهایی شکل می‌گیرد که در بیشتر مواقع از قدرت ناهمگون برخوردار می‌باشد» (قاسمی، ۱۳۹۱: ۹). این نوع بازدارندگی در منطقه خاورمیانه و به طور مشخص در بازدارندگی یکجانبه منطقه‌ای آمریکا علیه ایران قابل مشاهده است.

بازدارندگی ایران و آمریکا در خاورمیانه

بر اساس اسناد راهبردی منتشر شده آمریکا (۲۰۱۱)، خاورمیانه یکی از مناطق اصلی جغرافیایی موجد تهدید برای منافع آمریکا و متحدان منطقه‌ای آمریکا است و در این منطقه، باید در قبال جمهوری اسلامی ایران سیاست بازدارندگی صورت پذیرد» (جمشیدی، ۱۳۹۱: ۱۹). همچنین، استراتژی امنیت ملی ایالات متحده (NSS) منتشر شده در دسامبر ۲۰۱۷، و استراتژی دفاع ملی منتشر شده در مارس ۲۰۱۸ بر این بازدارندگی تاکید دارد (Tulak, 2019). در این راستا، ایالات متحده آمریکا با کمک متحدان خود (به ویژه اسرائیل و عربستان) به اقدامات بازدارنده علیه ایران

دست زده است. مهمترین این اقدامات عبارتند از: -به کارگیری مجازات‌های بین‌المللی اقتصادی، علمی، سیاسی و نظامی در برابر ایران، -ایجاد پایگاه‌های نظامی در حوزه استراتژیک ایران، -افزایش تعداد نیروها و اعزام ناوهای جنگی به خلیج فارس و افزایش جنگ روانی علیه ایران، -تلاش برای ائتلاف‌سازی همسایگان در راستای منزوی کردن ایران و افزایش ایران‌هراسی در منطقه، -تشویق همسایگان ایران به ایجاد ائتلاف و تجهیز خود به سلاح‌های پیشرفته در برابر ایران، -ادغام سیستم‌های فرماندهی و کنترل کشورهای منطقه با آمریکا در جهت تقابل با ایران، -تشدید انواع تحریم برای تضعیف روحیه ملی و فروپاشی انسجام داخلی ایران، -تضعیف موقعیت ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک ایران، -تاثیرگذاری بر سازمان‌های بین‌المللی و بازیگران جهانی برای تحریم همه‌جانبه ایران و منزوی ساختن آن در جهان و منطقه (استفاده از مولفه‌های مختلف قدرت ساختاری).

جمهوری اسلامی ایران نیز تحت تاثیر عواملی از جمله تجربیات تاریخی، عوامل مادی و ساختاری مانند جغرافیا، اقتصاد و ساختارهای سیاسی و عوامل مفهومی شامل ایدئولوژی، ناسیونالیسم، دین، درک تهدید و تصور از خود (Euan, 2020) به بازدارندگی در برابر مداخله‌گری آمریکا و مخاصمان درون‌منطقه‌ای برآمده است (سند چشم انداز ۲۰ ساله، برنامه سوم توسعه، برنامه پنج ساله پنجم توسعه). «ایران در تفکر بازدارندگی خود بیشتر بر موقعیت استراتژیک خود در سیستم منطقه‌ای و بین‌المللی و بهره‌گیری از آن در خنثی‌سازی حملات احتمالی تأکید می‌کند. از دیدگاه ایران مهم‌ترین توانایی‌های مذکور عبارت‌اند از: موقعیت ژئوپلیتیکی که معمولاً اشغال کشور را مشکل می‌کند؛ سواحل طولانی با خلیج فارس و دریای عمان به عنوان سرزمین اصلی تولید انرژی جهان؛ موقعیت عبوری تنگه هرمز و کنترل ایران بر آن؛ موقعیت نظامی برتر در منطقه؛ ساختار متنوع نیروهای نظامی آن به‌ویژه توان بسیج جمعیت در زمان ضرورت؛ امکان به کارگیری نیروهای شبه نظامی در صورت ضرورت؛ توان شبکه‌سازی ایران در منطقه (شبکه سازی با متحدان منطقه‌ای خود)... (قاسمی، ۱۳۸۶: ۱۴).

به طور کلی، تلاش‌های بازدارنده ایران در برابر آمریکا عبارتند از: -تلاش برای شبکه‌سازی و تقویت جریان مقاومت در منطقه (با همکاری لبنان، عراق، فلسطین، سوریه، یمن)، -استفاده از برنامه‌های موشکی و نمایش قدرت نظامی در منطقه، -تهدید و هدف قرار دادن متحدان منطقه‌ای آمریکا از جمله اسرائیل و عربستان، -استفاده از مین‌ها، قایق‌های موتوری، ضدکشتی و زیردریایی‌ها علیه نیروهای آمریکا و متحدانش، -ایجاد تنوع طیف موشکی، بالا بردن سرعت و نیروی انهدام

آنها و ساخت موشک‌هایی با برد طولانی، -تلاش در جهت درگیرسازی چین و روسیه در درون حوزه منافع استراتژیک منطقه، -درگیر شدن در جنگ‌های منطقه (درگیری‌های نظامی نامرسوم) برای کنترل اقدامات مداخله‌گر و متحدان منطقه‌ای آن.

آنچه در مورد اقدامات بازدارنده ایران، اسناد مربوط به بازدارندگی (سند چشم انداز ۲۰ ساله، برنامه سوم توسعه، برنامه پنج ساله پنجم توسعه) و سخنرانی‌های مختلف در مورد بازدارندگی^۱ مشاهده می‌شود اهمیت توجه بیشتر به توانمندی نظامی است که یادآور برداشت جنگ سردی از بازدارندگی است. این درحالی است که «آنچه در مورد بازدارندگی در جنگ سرد وجود داشت، اکنون دارای ارزش سوال برانگیز است. زیرا جزئیات خاص زمان، مکان، فرهنگ، سیاست، تصمیم‌گیری در مورد رهبری و حتی شخصیت افراد تصمیم‌گیرنده -آنچه که می‌توان شرایط محلی نامید- در بازدارندگی نوین با شرایط جنگ سرد متفاوت است (Payne, 2003). بر همین اساس است که رهبری جمهوری اسلامی ایران بر لزوم همه-جانبه بودن بازدارندگی تاکید داشته و توصیه می‌کند که بر دیگر ابعاد بازدارندگی از جمله بازدارندگی اقتصاد تمرکز شود^۲. در شرایط کنونی از سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی فشارهایی بر اعمال بازدارندگی ایران وارد می‌شود که با شرایط جنگ سرد متفاوت است. این موارد محدودیت‌هایی را بر سر راه موفقیت بازدارندگی قرار می‌دهد. خصوصاً زمانی که اقدامات کشورها بر محور «بازدارندگی با مجازات»^۳ باشد تا «بازدارندگی با انکار»^۴.

به طور کلی، بازدارندگی متعارف بر دو پایه شکل می‌گیرد؛ ممانعت (انکار) و مجازات. «در بازدارندگی بر پایه مجازات، بازگیر "الف" با تهدید می‌کوشد به بازگیر "ب" تفهیم کند که در صورت اجرای عمل خاصی، دارایی‌های ارزشمندش را مورد هجوم قرار می‌دهد؛ به گونه‌ای که "ب" با محاسبه سود و زیان، از اجرای آن اقدام خاص منصرف شود. بنابراین، ترس از مجازات سهمگین، بازدارنده "ب" است تا اقدام خاصی علیه "الف" مرتکب نشود... در بازدارندگی بر پایه انکار، عنصر تهدید محوریت اصلی را دارا نیست، بلکه "الف" می-کوشد "ب" را متقاعد کند که اگر دست به اقدام خشونت بار بزند، نمی‌تواند به اهداف

۱. رجوع شود به منابع مقاله: دیدگاه مقامات ایران در مورد بازدارندگی

2. <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=42052>

3. deterrence by punishment

4. Deterrence by denial

سیاسی-نظامی خود دست یابد. این بازدارندگی عمیقا به توان "الف" برای انتقال پیام به "ب" (برای متقاعد سازی) مرتبط است (ساسانیان، ۱۳۹۷:۵). توانایی انکار به نوعی به معنای توانایی دفاع هم هست اما بازدارندگی با انکار نباید به تنهایی با موازنه‌های نظامی (توازن محلی نیروها) برابر گرفته شود. توانایی نظامی صرفا یک بُعد بازدارندگی با انکار است (Mazar, 2018:3). دفاع به معنی کاهش هزینه‌ها و خطرات احتمالی در صورت ناکامی بازدارندگی می‌باشد. «بازدارندگی با انکار بر بازدارندگی با مجازات ارجح است زیرا مجازات به اجبار مداوم نیاز دارد، در حالی که انکار شامل کنترل است (Mallory, 2018: 3). در بازدارندگی با انکار به جای تهدید مستقیم برای مهاجمین، آنها را برای تهدید بی‌انگیزه می‌کنند که این موضوع با توان بالای انتقال پیام برای متقاعد سازی طرفین (قدرت دیپلماسی یا بازدارندگی سیاسی)، بهبود وضعیت اقتصادی و تقویت موازنه‌سازی و اتحادها مرتبط است. ناتوانی در این موارد چالش‌های زیادی برای بازدارندگی نوین ایران دارد که به شکلی ساده می‌توان این موارد را با کمک مدل تحلیلی زیر ارائه داد.

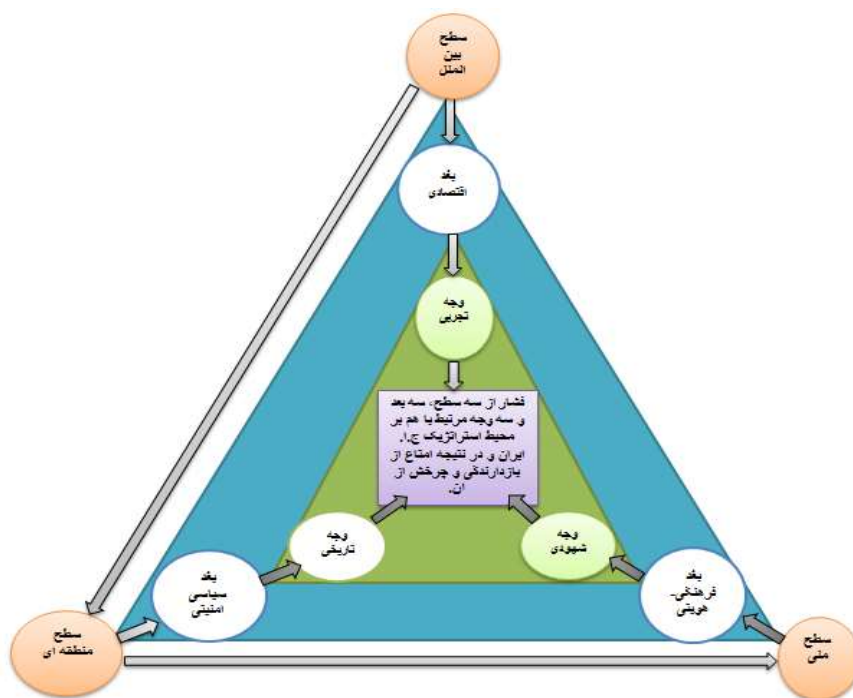
مدل تحلیلی پژوهش

برای ترسیم مدل تحلیلی، باید به وضعیتی که بازدارندگی نوین ایران در آن اعمال می‌شود و تفاوت این وضعیت با شرایط جنگ سرد توجه داشت. زیرا زمان، مکان، فرهنگ، سیاست، تصمیم‌گیری و حتی شخصیت افراد تصمیم‌گیرنده، در اعمال بازدارندگی با شرایط جنگ سرد فرق دارد. از یک سو، از طرف سطح بین‌الملل بر محیط ملی فشار اقتصادی و ساختاری وارد می‌شود و از سوی دیگر وضعیت اتحاد و ائتلاف‌های نامنسجم منطقه که ناشی از روندهای تاریخی و هویتی متعارض در این منطقه است، فشارها را بر محیط ملی افزایش داده و هرم قدرت در توان تصمیم‌گیری‌های استراتژیک به ضرر محیط ملی تغییر کرده است (شکل شماره ۱).



شکل (۱). مدل تحلیلی طرح ۱

بر این اساس، هنگامی که محیط ملی کوچک شود و فشار محیط بین الملل و محیط منطقه بر عملکرد محیط ملی شدت گیرد امکان اعمال استراتژی بازدارندگی سخت می شود. این فشارها در ابعاد و وجوه مختلف (شکل ۲) بر سیاستگذاران و تصمیم گیرندگان وارد آمده و آنها نیز با توجه به ادراک خود از شرایط و تهدیدات نه لزوماً واقعیت محیط های خارجی دست به عمل می زنند.



شکل شماره (۲). مدل تحلیلی طرح ۲

چالش‌های الگوی بازدارندگی ایران

اعمال بازدارندگی نوین در وضعیتی موفق خواهد بود که چالشی متوجه سه اصل بازدارندگی یعنی ارتباط، اعتبار تهدید و عقلانیت نباشد. "۱.ارتباط: برقراری رابطه شفاف و توانایی آگاه ساختن حریف از قصد خود و حدود اعمال ممنوعه؛ ۲. عقلانیت: عقلانیت طرفین در محاسبه سود و هزینه احتمالی رفتار خود؛ ۳. اعتبار: باور حریف به توانایی طرف مقابل" (جمشیدی، ۱۳۹۱: ۵). موفقیت این سه اصل، محیط ارتباطی و فضای شفافی را طلب می‌کند که ۱. درصدی از پیش‌بینی‌پذیری در رفتار طرفین وجود داشته باشد (نظم)، ۲. انتقال پیام برای متقاعد سازی طرفین بدون چالش و شفاف صورت گیرد، ۳. وجود متحدینی که اعتبار تهدید را در شرایط عدم تقارن قدرت بالا ببرند و ۴. وضعیت مناسب ادراکی و توجه به عقاید بین طرفین به جهت اینکه اصل عقلانیت و باور به تهدید به طور مساوی در طرفین اتفاق بیفتند. در این میان، وضعیت اتحاد و موازنه‌سازی در منطقه، شرایط اقتصادی و مداخله خارجی چالش‌هایی را در سه اصل الگوی کنونی بازدارندگی ایران به وجود آورده است.

اتحادهای غیر قابل اعتماد و چالش اعتبار تهدید بازاریابی

قبل از هر چیز باید دانست در خاورمیانه، تمامی استراتژی‌ها و به طور مشخص بازاریابی در شرایط نظم نوین جهانی به روابط بین دو یا چند بازیگر محدود نبوده و به اتحاد و ائتلاف قابل اعتماد با دیگر بازیگران نیازمند است.

در خاورمیانه، ساخت منطقه به گونه‌ای است که اتحاد و ائتلاف منسجمی در آن صورت نمی‌گیرد. وجود فشارهای ناشی از رقابت قدرت و روند تاریخی دشمنی‌های هویتی در منطقه، باعث شده است اتحاد قابل اعتمادی در منطقه شکل نگیرد. حتی به گونه‌ای با کمک گرفتن از مفهوم امنیت هستی‌شناختی میتزن (Mitzen, 2006)، می‌توان گفت وجود رقابت و مخالف، گاهی مورد استقبال دولت‌های خاورمیانه قرار می‌گیرد تا تصویر هویتی خود را با روندهای ثابت دشمنی و وجود مخالف ادامه دهند. از سوی دیگر دغدغه حفاظت از خود و تفاوت‌های هویتی باعث می‌شود کشورهای این منطقه ترس از همکاری داشته و همکاری را به همگرایی و از بین رفتن هویت خود تفسیر کنند. علاوه بر این، وضعیت و ساختار اقتصادی کشورهای منطقه محدودیت دیگری بر سر راه اتحاد در منطقه قرار می‌دهد.

بارزترین مشخصه اقتصادی خاورمیانه، تک‌محصولی بودن و وابستگی به اقتصاد انرژی به ویژه نفت می‌باشد. رابطه پیچیده بین مولفه‌های اقتصاد انرژی شامل تولید/توزیع/مصرف با مولفه‌های سیاسی از جمله رفاه/امنیت/قدرت در این منطقه سبب تسلط مواضع سیاسی کشورها بر اقتصاد و اخلال در بهره‌گیری از موقعیت‌های مختلف اقتصادی در سطح فراملی شده است. علاوه بر این، ناامنی سیاسی نیز سرمایه‌گذاری و تجارت خارجی و همچنین همکاری اقتصادی این منطقه را در سطح پایینی نگه می‌دارد. چنین وضعیت اقتصادی باعث شده است از یک طرف در درون منطقه فقط اتحادهای شکننده و شناور دو یا چند جانبه شکل گیرد که از یک حوزه موضوعی به حوزه موضوعی دیگری در تغییر و سیالیت هستند. از طرفی دیگر، این وضعیت اقتصادی منجر به مهندسی اقتصاد انرژی و تنظیم سیاست‌های منطقه‌ای توسط کشورهای بیرون از منطقه و در نتیجه رقابت کشورهای مداخله‌گر با برتری آمریکا برای موازنه سازی در خاورمیانه شده است. چنین مسائلی منجر به ایجاد مارپیچ ناامنی و ارجحیت مسائل سیاسی و نظامی بر مناسبات اقتصادی می‌شود و فشارهایی را بر الگوی بازاریابی ایران وارد می‌کند. بنابراین در این شرایط، استفاده از مدل بازاریابی با مجازات

که سطح بالاتری از قدرت و توانمندی را نیاز دارد سخت می‌گردد و حتی بازدارندگی با انکار که به توانایی موازنه‌سازی نیازمند می‌باشد با نبودن موازنه قابل اتکا به چالش کشیده می‌شود. وضعیت موازنه قدرت نیز در منطقه هشدارهای جدی برای جمهوری اسلامی ایران دارد. در چند ساله گذشته با وقوع رخداد‌های بزرگ در خاورمیانه از جمله تضعیف عراق و سوریه، موازنه قدرت در این منطقه دچار دگرگونی شد. ایران و عربستان سعودی با محوریت مذهب-گرایی به سمت جنگ‌هایی مانند جنگ‌های نیابتی (بیشتر در سوریه، عراق و یمن) و جنگ سرد پیش رفته‌اند. همچنین از ضدیت کشورهای منطقه با اقدامات اسرائیل کاسته شده و شروع به عادی سازی روابط با اسرائیل کرده‌اند. از سویی نیز دخالت‌های خارجی از جمله دخالت‌های روسیه، ایالات متحده آمریکا و ترکیه گسترش یافته است. در این میان، ایران به اتحاد با روسیه و چین امیدوار است تا بتواند دست به موازنه‌سازی در برابر آمریکا و متحدانش زده و تحریم‌های اقتصادی را خنثی و مخاطرات امنیتی خود را محدود کند. اما این خوشبینی در الگوی کنونی بازدارندگی ایران با تهدیداتی روبروست و مشکلاتی را برای امنیت ملی ایران در درازمدت پیش خواهد آورد. استراتژی چین و روسیه در خاورمیانه در برابر آمریکا نوعی جنگ سایه‌ای و ابهام استراتژیک را نشان می‌دهد که خود تهدیدی برای عنصر شفافیت ارتباط بازدارندگی است. در این میان کشورهای منطقه سرباز جنگ‌های سایه‌ای به نظر می‌رسند که در حال استفاده از الزامات جنگ نامتقارن هستند نه بازدارندگی و جلوگیری از جنگ.

سیاست ابهام استراتژیک و چالش شفافیت بازدارندگی

اتحادهای محکم و شفافیت در دفاع از متحد شرط لازمی برای موفقیت بازدارندگی در شرایط بازدارندگی نامتقارن است ولی نه اتحاد با کشورهایی (روسیه و چین) که خود در حال اجرای سیاست ابهام استراتژیک در خاورمیانه هستند. ابهامی که عدم قطعیت در منطقه را بازتولید و نظم (به عنوان حداقلی از پیش‌بینی پذیری در رفتار بازیگران) را در خاورمیانه بیشتر مخدوش می‌سازد. در این شرایط، بازدارندگی پشتوانه خود یعنی اتحاد و ائتلاف قابل اعتمادی نمی‌یابد. همچنین، در این وضعیت نمی‌توان به اقدامات حریف یا متحدانش درک درستی داشت. از طرف دیگر هر اقدام ایران در قالب رقابت بزرگتر جهانی توسط آمریکا

تفسیر می‌شود. بنابراین حتی اقدامات ایران به قصد اعتبار بازاریابی خود می‌تواند باعث ترغیب آمریکا برای اتخاذ تهدیدهای بزرگ‌تر نظامی در رقابت با چین و روسیه گردد و منجر به ماریج تشدید بحران شود. به طور کلی «با ورود روسیه و چین، ژئوپلیتیک خاورمیانه، پیچیده‌تر و بین‌المللی‌تر و حل‌وفصل مسائل آن، طولانی‌تر شده است (سریع القلم، ۱۳۹۵).

اگرچه در کوتاه‌مدت رابطه ایران با روسیه رابطه استراتژیکی به نظر می‌رسد ولی دچار نوساناتی است. روسیه سعی دارد بدون عبور از خطوط قرمز آشکار آمریکا، حوزه نفوذ خود را در سراسر منطقه با در پیش گرفتن سیاست ابهام استراتژیکی گسترش دهد. آنچه در اینجا اتفاق می‌افتد خود بازتولید کننده ناامنی و بحران در خاورمیانه است. روسیه از نظر اقتصادی، به هیچ وجه نمی‌تواند مزایا و گزینه‌های تجاری مشابه ایالات متحده را برای بازیگران منطقه ارائه دهد، از طرفی هم نمی‌خواهد تمام هزینه‌های تامین امنیت در خاورمیانه را خود متقبل شود. بنابراین قصد ندارد به طور کلی حضور آمریکا در خاورمیانه را به چالش بکشد. این در حالی است که ایران می‌خواهد به طور کلی مداخله آمریکا در منطقه پایان گیرد. از طرف دیگر روسیه سعی دارد با عربستان به عنوان رقیب سرسخت ایران روابط نزدیکی برقرار کند.

روسیه و عربستان به طور مشخص از سال ۲۰۱۸ روابط گسترده‌ای با هم داشته‌اند. برای روسیه، این گشودگی بی‌سابقه‌ای برای گسترش شبکه روابط و نفوذ خود در خاورمیانه و برقراری روابط امن با یک قدرت بزرگ منطقه‌ای است که قبلاً در یک همکاری تقریباً انحصاری با ایالات متحده بوده است. برای عربستان سعودی نیز ارتباط فعلی با روسیه تلاشی برای جلوگیری از دو آسیب‌پذیری استراتژیکی پیش‌روی پادشاهی است: بی‌ثباتی در بازار نفت و رقابت با ایران (Rumer, 2019).

در مورد چین نیز با وجود اینکه به خاطر علاقمندی چین به روابط تجاری با ایران و نیاز به منابع خام خاورمیانه، سرمایه‌گذاری‌های چین در ایران در پروژه‌های نفت و گاز و ساخت و ساز ریلی پس از تحریم ایران تداوم یافت اما رفتار بلندمدت چین نشان از تمایل به پیروی از تحریم‌های آمریکا و جاه‌طلبی‌های شخصی در برابر ایران دارد. به عنوان نمونه، پس از اینکه ترامپ در راستای مضاعف کردن فشار اقتصادی علیه ایران، فرمانی را برای وضع تحریم‌ها علیه بخشهای ساخت و ساز، معدنکاری، تولید و منسوجات ایران صادر کرد، چین احتیاط بیشتری پیدا کرده است. به طوری که بانک کانلان {کونلون} سیاست‌های خود را تغییر داده و

امکان تجارت با ایران را محدود کرد (وثوقی، ۱۳۹۹). بانک "کولون" در سال ۲۰۰۹ و با سرمایه‌گذاری مستقیم شرکت ملی نفت چین برای دور زدن تحریم‌های آمریکا ایجاد شد. روزنامه "شرق" در این باره نوشته است: حتی بانک‌هایی مانند چاینا بانک و دیگر بانک‌ها بدون اینکه نامه‌ای به شهروندان (ایرانی ساکن چین) ارائه کنند، فقط با یک پیام ساده اقدام به مسدود کردن حساب‌ها می‌کنند (فاروقی، ۱۳۹۸). چین امیدوار است که تأثیر فزاینده آن در منطقه به تدریج نفوذ آمریکا را از بین ببرد اما اکنون به نظر می‌رسد چین قصد دارد از مزایای ثبات اقتصادی بهره‌مند شود و به ایالات متحده اجازه می‌دهد تا در تأمین صلح و امنیت در منطقه پیشقدم شود، به شرطی که به منافع اقتصادی چین آسیب نرساند. همچنین، چین به دنبال این است تا در شورای امنیت سازمان ملل متحد تصویر یک ابرقدرت "مسئولیت پذیر" را ارائه دهد. از طرفی هم سعی دارد یک بستر ایدئولوژیک عدم مداخله در منطقه به نفع خود فراهم آورد. رفتار چین در درگیری اعراب و اسرائیل نمونه‌ای از این موضوع است (Rózsa, 2020). با اینگونه رفتارهای غیر قابل اعتماد چین در برابر ایران، می‌توان گفت چین ابتدا با تحریم‌ها و محدودیت‌های اقتصادی ایران هماهنگ بوده و سپس با سخت‌تر شدن شرایط خود را ناجی ایران نشان می‌دهد تا از این طریق امتیازهای بیشتری به دست آورد.

فشارهای اقتصادی بر بازدارندگی ایران

در اینجا باید به ابزارهای اعمال بازدارندگی نوین توسط مداخله‌گر منطقه توجه داشت تا در نهایت بتوان در پرتو این مباحث با وضوح بیشتری در مورد وضعیت بازدارندگی ایران و چالش‌های آن سخن گفت.

با تغییر معادله بازدارندگی از قدرت سخت نظامی به دیگر ابعاد قدرت در نظم نوین جهانی، ابزار اعمال کنترل نیز تغییر یافته است. بر این اساس، «هاف استدلال می‌کند که نظریه بازدارندگی باید گستره‌ی مطالعاتی خود را به بررسی ابزارهای بازدارنده‌ای که توجه این نظریه به ابزارهای نظامی، باعث از قلم افتادن آنها شده است گسترش دهد (فریدمن، ۱۳۸۶: ۱۵۸). اکنون آمریکا با تمرکز بر اصل هم‌وزن سازی مسائل امنیتی و اقتصادی (طوری که با فشار بر مردم، مردم گزینه اقتصادی را بر امنیت ترجیح دهند)، استفاده از گزینه قدرت ساختاری خود و تحریم‌های اقتصادی کشور هدف را نیز در سرلوحه اقدامات بازدارنده خود قرار داده است. «قدرت ساختاری غرب،

مهم‌ترین ابزار به کار گرفته شده علیه ایران بوده است. قدرت ساختاری، به معنای تنظیم دستور کار بین‌المللی و شکل دهی به فضایی است که در آن دولت‌ها، شرکت‌ها و افراد با یکدیگر مرتبط می‌شوند. قدرت ساختاری غرب را در چهار حوزه ذیل می‌توان بررسی کرد: ۱. ساختار دانش؛ برخورد گزینشی در انتقال دانش و ممانعت از دسترسی بازیگران چالشگر به دستاوردهای دانش-بنیان مجموعه غرب در قالب تحریم‌های مختلف. ۲. ساختار مالی؛ الف. با شکل دهی به مراکز جهانی مبادلات مالی و ب. تسلط بر نهادهای مالی بین‌المللی همچون صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی ۳. ساختار امنیتی؛ پایگاه‌های نظامی در نقاط مختلف منطقه، ناتو، شورای امنیت و ... ۴. ساختار تولید؛ این کشورها با تسلط بر ساختار مالی جهانی، می‌توانند سایرین را از سرمایه-گذاری در کشورها یا حوزه‌هایی که آنها را به عنوان تهدید تعریف می‌کنند، برحذر دارند (شریعتی‌نیا و توحیدی، ۱۳۹۲: ۱۳). در زمینه تحریم هم باید دانست «تحریم‌های اقتصادی به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند: دسته اول، تحریم‌های با هدف تغییر رفتار و دسته دوم با هدف بی-ثباتی. این دو نوع تحریم از سه زاویه: هدف، مخاطب و شیوه عمل با هم تفاوت دارند... در تحریم نوع دوم که هدف بی‌ثباتی یا سرنگونی است، مخاطب و شیوه کار پیچیده و غیرمستقیم است. در این نوع تحریم، توجه اصلی به مردم است، هدف این است که با فشار به مردم، آنها ناگزیر شده از حکومت فاصله گیرند (مختاری هشی، ۱۳۹۴: ۹). به طور کلی، اقدامات امریکا علیه جمهوری اسلامی به عنوان چالشگر منطقه، ذیل عنوان مجازات ایران قابل واکاوی است. «مجازات (sanction) حوزه وسیع‌تری از تحریم اقتصادی (embargo) را در بر می‌گیرد... تحریم‌های اقتصادی رایج‌ترین مجازات‌های بین‌المللی هستند که معمولاً در قالب قطع روابط تجاری، ایجاد محدودیت بر عوامل و فعالین اقتصادی، ممنوع کردن سرمایه‌گذاری و روابط تجاری، جلوگیری از دسترسی به برخی کالاها و خدمات، افزایش تعرفه‌های گمرکی، جلوگیری از همکاری‌های مالی و پولی، جلوگیری از ادامه هرگونه کمک اقتصادی و مالی، جلوگیری از صدور فن‌آوری یا تحصیل و اشتغال متخصصین و کارشناسان و مانند آن مطرح می‌شوند (یزدان فام، ۱۳۸۵: ۳). بر این اساس، در نظم نوین جهانی، در بعضی موارد گزینه نیروی نظامی موثر است، در برخی دیگر رویکردهای غیر نظامی به منظور بازدارندگی و جایی حتی ممکن است توانمندی در رفع مشکلات مردم و تقویت محیط ملی بهترین پاسخ بازدارنده به تهدیدات باشد. همچنین، باید دانست که دشمنان، اعتبار تهدیدهای بازدارنده ایران را متفاوت از ادراک و برداشت ذهنی تصمیم‌گیرندگان ایران

ارزیابی می‌کنند، همانطور که محیط روانی تصمیم‌گیرندگان ایران متفاوت از دیگر کنشگران است. گاهی حتی تضمین‌های بازدارنده الگوی بازدارندگی کنونی ایران از سوی دیگران به عنوان ماجراهایی نظامی ادراک شده و باعث شده است طرف‌های دیگر به دنبال گزینه‌های قوی‌تری در مقابل آن برآید و هر چه بیشتر امنیت ملی را در خطر قرار دهند.

مورد دیگری که باید به آن توجه داشت، توجه به تطابق سلاح و هدف است. بدین معنا، یک کشور باید توجه داشته باشد که کدام نوع از انواع بازدارندگی را و با چه هدفی می‌خواهد اعمال کند؟ اکنون نمی‌توان با هدف بازدارندگی کلی از ابزارهای بازدارندگی آنی که همان مولفه نظامی قدرت است بهره گرفت.

در این شرایط نامتقارن، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به الگوی دقیق‌تری از بازدارندگی در پاسخ به تهدیدات خود نیاز دارد که صرفاً به مولفه نظامی بازدارندگی متمرکز نشده باشد. به بازدارندگی نمی‌توان به چشم بازدارندگی وجودی جنگ سردی و نظریه‌ای برای بقا نگاه کرد. این الگوی بازدارندگی ایران باید بتواند بستری برای توسعه و رشد اقتصادی داخلی در برابر تحریم‌های مختلف و امنیت و استقلال خارجی باشد. اعمال تحریم‌ها، ایران را به مکانی بی‌ثبات برای سرمایه‌گذارانی تبدیل می‌کند و چندین مورد ریسک داخلی به وجود آورده است که تأثیر چشمگیری بر بی‌ثباتی و عدم جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌گذارد. مواردی مانند سطح فقر در جامعه، خطرات اجتماعی، افزایش تورم و بی‌ثباتی احتمالی در سیستم سیاسی ایران. این عوامل می‌توانند تأثیر منفی بر احتمال سرمایه‌گذاری در ایران و بیرون راندن سرمایه‌گذاران به کشورهای امن‌تر داشته باشند. فقر عمومی جمعیت، قابل توجه است. چنین جمعیتی که در شرایط وخیم زندگی می‌کنند، می‌تواند منبع بی‌ثباتی داخلی و بروز مکرر اعتراضات با انگیزه اقتصادی باشد. بر همین اساس است که رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به گزارش مسئولین ارشد دولتی مبنی بر در حال تدوین بودن راهکارهای مقابله با تحریم‌ها، تأکید کردند:

مسئولان باید در عمل و اجراء، به صورت جدی‌تر و فوری‌تری وارد بشوند و نباید کارها را با تأخیر انجام داد.

رهبر انقلاب اسلامی به لزوم ایجاد بازدارندگی در جنگ اقتصادی با دشمن، اشاره کردند و گفتند: امروز بحمدالله همه مسئولین به این باور رسیده‌اند که دشمن در حال جنگ با ما است و بروز و ظهور آن در مسائل اقتصادی است. البته ما باید در این جنگ دشمن را شکست دهیم و به

توفیق الهی، او را شکست خواهیم داد اما این کافی نیست بلکه باید بازدارندگی ایجاد کنیم و به مرحله ای برسیم که دشمن احساس کند نمی‌تواند از معبر مسائل اقتصادی به کشور ضربه وارد کند و ملت را تحت فشار قرار دهد (بیانات در حرم مظهر رضوی، ۱۳۹۸/۱/۱).^۱

علاوه بر این، دخالت زیاد دولت در اقتصاد و قدیمی بودن قوانین مربوط به سرمایه-گذاری، چشم‌انداز کلی برای سرمایه‌گذاری در ایران را پیچیده می‌کند. این امر معمولاً با مدیریت نه چندان شفاف همراه است و احتمال وجود فساد در چنین سیستمی ممکن می‌شود. همچنین، نه تنها تنش‌ها با ایالات متحده باعث بحرانی شدن شرایط می‌شود بلکه تنش‌های ایران با سایر بازیگران خاورمیانه در قالب قدرت سخت و استفاده کمتر از قدرت نرم، عواملی هستند که می‌توانند بر ثبات داخلی در ایران و منطقه تأثیر بگذارند. در این میان، یکی از موارد اعتراضی مردم هم نارضایتی از هزینه‌های دولت در امور خارجی است که به منظور اقدامات بازدارنده و تقویت متحدان خود در منطقه صورت می‌گیرد. این مورد در بلندمدت می‌تواند باعث ایجاد فاصله زیاد حکومت و مردم شده و شرایط سخت‌تری را در سیاست‌های داخلی و خارجی فراهم آورد و چه بسا باعث شکست بازدارندگی ابتدا در درون کشور شود. ارتباط حکومت و مردم یکی از از مواردی است که در نظم نوین جهانی در بازدارندگی قدرت‌های بزرگ به خصوص ایالات متحده همیشه مورد سوء استفاده قرار گرفته شده است. به عنوان مثال «ایالات متحده و متحدانش می‌توانند با نقشه برداری از شبکه ابزارها، فضاهای اطلاعاتی حکومت برای کنترل مخالفان را دچار اختلال کرده و این عمل ممکن است حقایق عینی را در تضاد با دولت مخالف قرار دهد؛ روایاتی که باید به طور گسترده برای مخاطبان توده مخالف پخش شود (Mallory, 2018: 11).

نتیجه‌گیری

تحول در نحوه توزیع قدرت و فرآیندهای نظام نوین جهانی به تحول در بازدارندگی انجامیده است که می‌توان از بازدارندگی یکجانبه منطقه‌ای هژمون به ویژه در منطقه خاورمیانه و بازدارندگی در برابر ایران سخن گفت. بر اساس مشاهدات، رفتار ایران نشان‌دهنده بیشترین توجه به توانمندی نظامی است که یادآور برداشت جنگ سردی از بازدارندگی و اعمال

^۱ . <https://www.leader.ir/fa/content/22843/www.leader.ir>

بازدارندگی با مجازات است. این درحالی است که در مقایسه با دوران جنگ سرد، اهداف و ابزارهای بازدارندگی، چگونگی موفقیت و همچنین زمینه‌هایی که بازدارندگی باید در آن اعمال شود، متفاوت است. در این شرایط، رویکرد جنگ سردی حتی ممکن است خود درگیری بیشتری ایجاد کند و به ماریپچ ناامنی منجر شود. به طور مثال، هر چه ایران به نمایش قدرت نظامی خود (بدون توجه به درک از تهدید توسط دیگر کنشگران در این منطقه) برای اعتبار بازدارندگی دست زده، باعث شده است مخاصمان به جستجوی گزینه‌های قوی‌تر و اثرگذارتر با مولفه‌های مختلف قدرت از جمله قدرت ساختاری برای بازدارندگی ایران ترغیب شوند. در مقابل جمهوری اسلامی ایران نیز دائما باید به دنبال گزینه بزرگتری باشد که تهدید بزرگتری برای دشمن داشته و جلوی اقدامات تهدید آمیز آنها را بگیرد. این الگوی کنونی بازدارندگی جمهوری اسلامی با تاکید بیشتر بر مولفه قدرت نظامی نمی‌تواند امنیت ملی ایران را در همه ابعاد آن و در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به طور دقیقی تامین کند. اکنون دشمنان منطقه‌ای و برون منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، مانند رهبران آن زمان شوروی و امریکا (در بحران کوبا ۱۹۶۲) نیستند که توان نظامی صرف بر روی تصمیم‌گیری آنها، یک عامل بازدارنده قوی باشد.

یک ضعف بزرگ بازدارندگی ایران، عدم توجه به تدوین دقیق استراتژی بازدارندگی؛ الزامات بازدارندگی شامل تهدیدات و فرصت‌ها، شناخت اصول و شرایط اعمال استراتژی بازدارندگی به طور عام و بیرون کشیدن دقیق مدل بازدارندگی ایرانی با توجه به موقعیت‌های مختص به ایران و منطقه خاورمیانه به طور خاص بوده است. این موضوع باعث شده که بازدارندگی ایرانی بیشتر به سمت دفاع نظامی و استفاده از الزامات جنگ نامتقارن و پیش-دستی پیش رفته و بین مولفه‌های مختلف بازدارندگی تعادل برقرار نشده است. به نظر می‌رسد وظیفه هماهنگی بین ابعاد مختلف بازدارندگی بر عهده شورای عالی امنیت ملی بوده که چنین چیزی تا کنون شکل نگرفته است. با کنار گذاشتن این هماهنگی، بر اصول اساسی بازدارندگی از جمله ارتباط، اعتبار تهدید و عقلانیت خدشه وارد می‌شود، همچنین استقلال عمل در بهره‌گیری از بازدارندگی از بین رفته و ایران ملزم به تعهدات بیشتری به جامعه جهانی خواهد شد و در نتیجه پاسخ ایران به تهدیدات خود صرفا پاسخی عکس‌عملی و کوتاه‌مدت خواهد بود نه استراتژی دقیقی بر اساس بازدارندگی نوین. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران باید با به

رسمیت شناختن پتانسیل‌های مختلف در بازدارندگی نوین و اصلاح الگوی بازدارندگی کنونی خود، آماده شود تا آسیب‌های جامعه، مردم، نیروها و متحدانش را در صورت عدم موفقیت بازدارندگی، جبران کند. در این شرایط باید به تقویت محیط داخلی و اقتصاد، عملکرد دقیق‌تر برای موازنه‌سازی در منطقه و سپس بازدارندگی با انکار توجه داشت. در این نوع بازدارندگی ایران باید تلاش کند قدرت اقناع سخن و توان بازدارندگی سیاسی خود را بالا برده و صرفاً به توان نظامی و یا خوشبینی‌های بی‌دلیل در دیپلماسی و مذاکره تکیه نکند. به طور کلی، این مدل بازدارندگی اولاً باید بتواند ارزش حمله علیه ایران را در ذهن دشمن کاهش دهد (تغییر در ادراک و ذهنیات دشمن) ثانیاً هزینه‌های دشمن را در صورت اقدام علیه ایران افزایش دهد (توانایی در برابر اقدام دشمن).

کتابنامه

- افتخاری، قاسم و علی باقری دولت آبادی (۱۳۸۹)، «اعمال فشار آمریکا و تشدید گرایش ایران به استراتژی بازدارندگی»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، شماره ۴.
- آدمی، علی، کشاورز مقدم، الهام (۱۳۹۳)، «قابلیت بازدارندگی هسته ای ایران از چشم انداز نواقح گرای»، سیاست جهانی، دوره ۳، شماره ۱.
- باقری دولت آبادی، علی (۱۳۹۲)، «نقش عنصر بازدارندگی در راهبرد نظامی ایران»، سیاست دفاعی، شماره ۸۵.
- باقری، محسن و یزدانی، عنایت الله (۱۳۹۷)، «تبیین منافع و اهداف استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در اتحاد استراتژیک با حزب الله لبنان»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۵۳.
- جمشیدی، محمد (۱۳۹۱)، «جایگاه بازدارندگی متعارف در استراتژی دفاعی دولت باراک اوباما در قبال جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره ۱.
- ساسانیان، سعید (۱۳۹۷)، «ارزیابی تغییرات الگوی بازدارندگی حزب الله لبنان در برابر رژیم صهیونیستی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۲۱، شماره ۷۹.
- سریع القلم، محمود (۱۳۹۶)، «نظام بین الملل و ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره اول.
- سلطانی نژاد، احمد، زهرانی، مصطفی و شاپوری، مهدی (۱۳۹۲)، «آمریکا و برنامه هسته‌ای ایران؛ استراتژی برچینش و ابزارهای آن»، مطالعات راهبردی، دوره ۱۶، شماره ۵۹.
- شریعتی نیا، محسن و زهرا توحیدی (۱۳۹۲)، ایران و قدرت ساختاری غرب، روابط خارجی سال پنجم پاییز، شماره ۳.
- عباسی، ابراهیم، نجات، علی و طالبی، صغری (۱۳۹۵)، «الگوی امنیتی بازدارندگی در تنگه هرمز و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۷.
- فریدمن، لارنس، «بازدارندگی» (۱۳۸۶)، ترجمه طالبی آرانی، روح الله و قهرانپور، عسگر، تهران: مطالعات راهبردی.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۶)، «نگرشی تئوریک بر طراحی مدل بازدارندگی سیاست خارجی ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره ۱.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۸)، «الزامات تئوریک بازدارندگی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه روابط خارجی، سال اول، شماره ۳.

قاسمی، فرهاد (۱۳۹۰)، «پیامدهای شدن و گسترش سامانه‌های موشکی راهبردی بر بازدارندگی در نظم جهانی نوین»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نهم، شماره ۳۴.

قاسمی، فرهاد (۱۳۹۱)، «بازسازی مفهومی نظریه بازدارندگی منطقه‌ای و طراحی الگوهای آن بر اساس نظریه‌های چرخه قدرت و شبکه»، راهبرد دفاعی، سال دهم، شماره ۳۸.

گلشن، علیرضا و باقری، محسن (۱۳۹۱)، «جایگاه حزب اله لبنان در استراتژی بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران»، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۴، شماره ۱۱.

مختاری هشی، حسین (۱۳۹۴)، «تاثیر تحریم‌های بین‌المللی بر عوامل قدرت ملی؛ با تاکید بر تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل بر علیه ج.ا. ایران»، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، شماره ۳۸.

نوری فرد، فاطمه (۱۳۸۶)، «بازدارندگی: مکانیزم مقابله با تهدیدات نامتقارن (مطالعه موردی رابطه ایران و امریکا)»، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۷.

یزدان فام، محمود (۱۳۸۵)، «تحریم‌های بین‌المللی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴۳.

رحیمی آشتیانی، دلیله، فرصت‌ها و چالش‌های روابط ایران و هند؛ چشم‌انداز آینده، ۱۳۹۸/۳/۱۹، قابل مشاهده در <http://peace-ipsc.org/fa/11589-2>

سیاست‌های کلی نظام درمورد برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران، قابل مشاهده در www.mcls.gov.ir/fa/law

فاروقی، جمشید، «نگرانی ایران از مسدود شدن "کوره‌راه‌های" رابطه تجاری با چین»، قابل مشاهده در www.dw.com/fa-ir/economy/a-48371911

قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، قابل مشاهده در www.iust.ac.ir/content/34574

وثوقی، زهرا، ایران دیگر روی تجارت با چین حساب نمی‌کند، قابل مشاهده در www.isna.ir/news/99020805758

دیدگاه مقامات جمهوری اسلامی ایران در مورد بازدارندگی؛ رجوع شود به:

<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=42738>

<https://mesdaq.ir/?p=71881>

<https://parstoday.com/dari/news/uncategorised-i38822>

<https://www.ettelaat.com/mobile/?p=130154&device=phone>

<https://www.farsnews.com/news/13980409000692>

<https://www.mfa.ir/portal/newsview/33223>

www.farsnews.com/news/13980702000762

English sources

- Bolan, Christopher (2019).Iran and Saudi Arabia are locked in a security dilemma. Here are some potential ways out. <https://www.defenseone.com>
- Davis, Lynn& Martini, Jeffrey& Nader, Alireza & Kaye, Dalia (2011). Iran's Nuclear Future: Critical U.S. Policy Choices.at: <https://www.rand.org>
- Evron, Yair(2012). Extended Deterrence in the Middle East. <https://doi.org/10.1080/10736700.2012.734186>
- Evron,Yair (2008).An Israel-Iran Balance of Nuclear Deterrence: Seeds of Instability. <http://www.jstor.com/stable/resrep08946.6>
- Findlater, Euan (2020).Islamic Republic of Iran's Strategic Culture and National Security Analysis. Available at: <https://smallwarsjournal.com/jrnl/art/islamic-republic-irans-strategic-culture-and-national-security-analysis>
- Green, Michael& Hicks, Kathleen & Cooper, Zack (2017). Center Deterrence Theory and Gray Zone Strategies. Strategic and International Studies (CSIS).
- Jordet, Nils (2006).Explaining the Long-term Hostility between the United States and Iran: A Historical, Theoretical and Methodological Framework. Available at: <https://www.nato.int/acad/fellow/98-00/jordet.pdf>.
- Karp, Aaron (2001). Regional Perspectives: the Middle East. <https://www.jstor.org/stable/resrep09901.12>
- Katzman, Kenneth (2020).Iran's Foreign and Defense Policies. <https://fas.org/sgp/crs/mideast/R44017.pdf>
- Maher, Nora, (2019).Balancing deterrence: Iran-Israel relations in a turbulent Middle East. <https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/REPS-06-2019-0085/full/html>.
- Mallory, king (2018).New Challenges in Cross-Domain Deterrence. at: <https://www.rand.org/pubs/perspectives/PE259.html>
- Mazarr, Michael J (2018). Understanding Deterrence At: <https://www.rand.org/pubs/perspectives/PE295.html>
- Mcinnis, Matthew (2016). Iranian Deterrence Strategy and Use of Proxies. www.foreign.senate.gov
- McInnis, Matthew (2016). Iran at War: Understanding why and how Tehran Uses Military Force. <http://www.jstor.com/stable/resrep03265.8>
- Mitzen, Jennifer (2006). Ontological Security in World Politics: State Identity and the Security Dilemma. At: <https://journals.sagepub.com>

- Morgan, Patrick, (2003). Deterrence Now Cambridge University Press.
Available At: www.foreign.senate.gov
- Payne, Keith B, (2003). Deterrence: A New Paradigm President, National Institute for Public Policy.
- Rauschenbach, Kyra (2020). Iran's entrenchment of strategic infrastructure in Syria threatens balance of deterrence in the Middle East. <https://www.criticalthreats.org>
- Rozsa, Erzsébet (2020) Deciphering China in the Middle East.URL: <https://www.jstor.org/stable/resrep25023>
- Rühle, Michael (2015). Deterrence: what it can (and cannot) do. Available at: <https://www.nato.int/docu/review/articles/2015/04/20/deterrence-what-it-can-and-cannot-do/index.html>
- Rumer, Eugene (2019). Russia in the Middle East. At: www.jstor.com
- Tulak, Arthur (2019). New Era of Deterrence. <https://ipdefenseforum.com>
- Watling, Jack (2019).Iran's Objectives and Capabilities Deterrence and Subversion. at: <https://rusi.org>
- Wright, Thomas (2015).China and Russia vs. America: Great-power revisionism is back. <https://www.brookings.edu>